

کمیته نما؛ انحراف سلیقه‌ای یک مطالبه دیرین

قریب یک دهه است که ابتدا در تهران و سپس در شهرهای دیگر به تقلید از مرکز، کمیته‌های نما برای هدایت نمای ساختمان‌ها تشکیل شده است. این کار پاسخ به مطالبه‌های به عمر چند دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که ابتدا «هویت» و سپس «هویت ایرانی-اسلامی» را در شهر و معماری تمنا می‌کرد. افزایش حساسیت در «بازگشت به خویشتن» و آغاز «رنسانس اسلامی» در سال‌های نخستین تشکیل جمهوری اسلامی به برقراری جلسات متعدد دانشگاهی و مذهبی برای بررسی رابطه «سنت و مدرنیته» انجامید. در جریان مبارزات پیش از انقلاب، گسترش نارضایتی روشنفکران و انقلابیون از خودباختگی رژیم پهلوی در برابر غرب، فرح پهلوی سیاستگذار فرهنگی رژیم را به ایجاد جریان‌های مصنوعی و شکل‌گرا از تلفیق معماری مدرن با عناصر سنتی واداشت. نسلی از معماری یادمانی از قبیل موزه هنرهای معاصر و مدرسه مدیریت نتیجه این سیاست دربار بود. برای تئوریزه کردن این جریان کنفرانس «پیوند سنت و تکنولوژی» با حضور دست‌چینی از مشاهیر معماری ایران و جهان به ریاست فرح پهلوی در اصفهان برگزار شد. در عین حال، جریان رسمی معماری کشور و آنچه که از سوی بدنه حاکمیت در لوای الگو و قانون ترویج می‌شد، مدرنیسم مثله‌شده و بی‌محتوای متکی بر مصرف کالای لوکس و تقلید از صورت جریان‌های غربی بود. انقلاب اسلامی مطالبه احیای هویت تاریخی ملت ایران را نمایندگی می‌کرد. در سال‌های پیش از انقلاب اما، اقدام مؤثری در این زمینه به عمل نیامد. شرایط اقتصادی ناشی از جنگ و تحریم، نادانی مدیریت‌های مربوطه در کشور و قدرت‌گرفتن جریان‌های غرب‌گرا در بدنه اجرایی نظام مجالی برای پاسخگویی علمی و عمیق به مطالبه احیای هویت باقی نگذارد. در دهه ۹۰ به سفارش شهرداری مطالعه‌ای برای تدوین ضوابط نما انجام شد. روش مطالعه به رویه بولتن‌سازی که احساسات مسئولان را با گزینش اخبار مدیریت می‌کردند، شباهت داشت. در شهر تهران که همزمان هزاران ساختمان در حال ساخت بود، چند نمونه خاص که شاید جز همسایگان آن‌ها کسی از وجودشان باخبر نبود، نماد گرایش به ابتدال جا زده شد؛ با بهره‌گیری از مطالبه اجابت‌نشده یک قرن گذشته در بازگشت به خویشتن، احکام خارق‌العاده و عجیبی صادر شد: استفاده از رنگ‌های مبتدل ممنوع؛ و برای دینی شدن دفترچه ضوابط، «منع نصب مجسمه در نما» هم به آن افزوده شد.

هیجانی که این مطالعه جهت‌دار و سست‌بنیاد در مدیریت شهری برپا کرد، به سرعت به نهادسازی برای مداخله در خصوصی‌ترین بخش‌های جامعه انجامید. کمیته‌های نما برای تصویب نقشه نما که به مدارک فنی قبلی افزوده شده بود تشکیل شد. این کمیته فلسفه وجودی خود را صیانت از حقوق عمومی بیان کرد. از آن پس تا امروز کمیته نما در تهران و بسیاری از شهرهای ایران به ابزاری برای طولانی‌شدن صدور پروانه، گران‌کردن ساخت و تحمیل سلیقه اعضای کمیته به هزاران متقاضی پروانه بدل شده است. فرایند تغییر ضوابط مبتنی بر افزایش کمی جزئیات فنی و غیر مرتبط با مطالبه هویت ملی-دینی است. در این مدت جزئیات کم‌اثر و پیچیده‌ساختن موضوع نما با هدف توجیه ضرورت وجود کمیته به ضوابط اولیه افزوده شده است. نتیجه عمل کمیته در یک دهه فعالیت آن برای دستیابی به هویت ایرانی-اسلامی تقریباً هیچ است. این ادعا از تکرار مطالبه رهبری انقلاب در آخرین گزارش شهردار تهران به شورا (روزن‌انلاین ۱۴۰۲/۱۲/۲۳) در مورد حرکت به سوی هویت ایرانی-اسلامی در معماری شهری تأیید می‌شود. این خواسته بنیادین راهبردی چندبعدی و پیچیده‌ای است که با ساده‌سازی مسئله تحقق پیدا نمی‌کند. همان‌طور که فرح پهلوی نتوانست مطالبه هویت را با اقدامات روبنایی و یادمانی منحرف کند، کمیته‌های نما نیز جز نارضایتی حاصلی نخواهند داشت. ادراک هویت، به معنای فهم چیستی متداوم یک پدیده، وابسته به بقای هستی آن است. فهم هستی یک شهر که از خلال مواجهه و تجربه فضا به دست می‌آید، قبل از هر چیز وابسته به بقای مؤلفه‌های هستی‌بخش شهر است. اهمیت احساس وجود شهر از آن روست که مقدمه و شرط ادراک چیستی آن و فهم هویت است. در صورت بقای مؤلفه‌های هستی‌بخش شهر است که می‌توان در خصوص ویژگی‌های چیستی‌دهنده آن صحبت کرد. بازخوانی سنت رسول اکرم (ص) در ساماندهی به شهر یثرب و نامگذاری آن به‌عنوان مدینه‌النبی نیز حاکی از دقت و اصرار ایشان بر اولویت انتظام مؤلفه‌های آفرینش شهر بود تا صورت عناصر شهری. دانش مربوط به فضا و مکان نیز بر همین رویه و اصالت هستی شهر نسبت به چیستی آن برای دستیابی به هر سنخ از مطلوبیت صحنه می‌گذارد.

با این ترتیب به نظر می‌رسد کمیته‌های نما با حاکم کردن سلیقه اعضای کمیته به‌جای سلیقه مالک نه‌تنها قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» را مراعات نکرده‌اند، بلکه در دستیابی به هدف بزرگی که پیش رو قرار داده‌اند راه اشتباه پیموده‌اند. اینان به‌جای شناسایی و خوانش سرشت شهر و مؤلفه‌های اصلی پدیدآورنده آن و حفظ و بسط آن‌ها، یکسره به سراغ صورت شکل‌های شهری رفته‌اند تا مطالبه هویت کنند. ادراک هویت از شهر یعنی توان خوانش گذشته آن از صورت امروز شهر. احساس و فهم فرارگیری در مکانی که به‌واسطه معیارها و نگرش خاص آفریده شده و در طی زمان عناصر آن به‌تدریج رنگ زمانه گرفته‌اند؛ و تحول صورت‌ها چنان تدریجی و پیوسته است که حس جدایی‌افتادگی و بریدن از منشاء در ناظر پدید نمی‌آید. روشن است که مداخله در پدیده‌ای پیچیده و تا این درجه از اهمیت که در ساخت ادراک شهروندان اثر مستقیم دارد و علاوه بر مطالبه اجتماعی یک‌صدساله، مورد عنایت پیامبر گرامی اسلام نیز بوده و در سیره ایشان نقش پررنگی داشته، اولاً بسیار ضروری و ثانیاً نیازمند روش و دانش بنیان است. تصویر روی جلد اثر خانم «سمیرا سرایانی (سرآمد)» از نمایی در شهر قم اگرچه به دوگانگی دو نمای سنتی و لجام‌گسیخته اشاره دارد، در عین حال به سرگشتگی این نسل و مدیریت شهری در ایجاد منظری هویت‌مند از شهر مطلوب خود صحنه می‌گذارد.

سیدامیر منصوری
amansoor@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۳). کمیته نما؛ انحراف سلیقه‌ای یک مطالبه دیرین. منظر، ۱۶(۶۶)، ۳.

DOI: 10.22034/MANZAR.2024.192654
URL: https://www.manzar-sj.com/article_192654.html

